

## مصدرهای مفعولی چون:

### ● پ:

گروه مصدرهایی که به (تن TAN) ختم می‌گردند، خود به دسته‌هایی چند تقسیم می‌شوند از آن جمله

۱- واژه‌هایی که شکل مصدر لازم (فاعلی) و مصدر متعدی (مفعولی) دارند.

۲- گروه واژه‌هایی که شکل فاعلی و مفعول آن - مصدر لازم و مصدر متعدی - با هم فرق دارند. هر یک از واژه‌ها، تابع ضابطه‌های خود هستند و جا افتاده - مورد قبول واقع شده‌اند. نمونه‌هایی چند.

دقت دستداران زبان و ادب گیلکی را به ویژگی‌های زبانی، نشانگر علاقمندی شماسْت جلب می‌کنیم.

گیفتن به گیرانتن. / GIFTAN/GIRA NEN / گیرانندن به گرفتن (آتش) جی گیفتن به جی گیرانتن JIGIFTAN به JIGIRANEN قطع شدن/قطع گردیدن (شیر)

سوختن به سوختن. SOXTAN به SUJA NEN سوختن/سوزاندن

بیشتن به بیجانتن. BIS TAN به BIJ A NEN برشته شدن/برشته کردن

جیویشتن به جیویزانتن JIVISH TAN به JIVIZA NEN دررفتن/فراری کردن

واغوشتن به واغوزانتن VAGUSH TAN به VAQUZA NEN آب از چاه برداشتن/آب از چاه کشیدن

واکاشتن به واکارانتن VA KA SH TAN به VA KARANEN دو نفر را نسبت به هم بدبین کردن

دفراراشتن به دفرازانتن DAFR A SH TAN به DAFR A Z A NEN دافراشتن تکیه دادن/تکیه کردن

گشتن به گزانتن GA S TAN به GAZ A NEN خوردن/نیش زدن

ویریشتن به ویریزانتن VIRI S TAN به VIRIZ A NEN خوابیدن/خوابانیدن

وادوختن به وادوزنتن VADOXTAN - VA DUZANEN دو نفر را نسبت به هم بدبین کردن

قابل توجه! این گروه از واژه‌ها در متعدی تغییر شکل داده‌اند، خبر از دگرگونی‌هایی می‌دهند که در شناختن واژه‌های اصیل گیلکی و سایر زبان‌ها دقت لازم، از پایه‌های اولیه زبان‌شناسی بومی است و اشتقاق کلام خود می‌تواند یک قانون‌مندی واژه‌ی باستانی را بیان کند.

گروهی از واژه‌های آورده شده در زیر، مصدرهایی هستند با نشانه‌ی (دن DAN) ولی فاقد مصدر متعدی. چون

اوسادن. OSADAN = برداشتن

جوکودن. FUKUDAN = نخ به سوزن کردن/در خاک و خاکستر فرو کردن

فوکودن. FUKUDAN = ریختن، یک شی از بلندی یا از دست

دوکودن. DUKUDAN = ریختن، یکی شی در ظرفی دیگر، چون چایی و شیر.

کودن. KODAN = کردن/انجام دادن

دشانتن DAS A NEN = گسترانیدن پتو .... روی کسی

واشانتن VA S A NEN = تکان و لالایی دادن

فیشانتن FISA NEN = دور انداختن

آشانتن AS A NEN = پاشانیدن

ریسانتن RISA NEN = حلقه حلقه کردن

تی گانتن IGA NEN = انداختن

اورگانتن ORGA NEN = گسترانیدن (آواز)

وارگانتن VA RGA NEN = آویزان کردن

اومیرانتن OMIRA NEN = بی‌میل و رغبت کردن و بی‌حال و سست کردن

واخورانتن VA XURA NEN = و به زور خورانیدن

واگیرانتن VA GIRA NE = روشن کردن

● پیشوندها در زبان گیلکی، و شکل دادن به نو واژه‌ها، برای ساختار و ترکیب جدید، از حساسیتی شایسته برخوردارند.

هم‌چنین، برخی از واژه‌ها به دو یا چند شکل کاربرد داشته، می‌توانند گستردگی واژه‌های گیلکی را نشان دهند و ما را از مهاجرت شدید روستاییان به شهر همراه زبانشان آگاه سازند.

مهاجرت‌ها در هر کجای دنیا، با کوچ فرهنگ و ساختار فرهنگی و باورهای آن گروه همراه است.

و این چند واژگی، در اثر سکونت روستایی و شهری در کنار هم و تحت تأثیر قرار دادن لهجه‌های گوناگون قابل بررسی و تأمل است. از آن گذشته، مردم شهر رشت، در هجوم لهجه‌ها و گرایش‌های غیرقابل شمارش زبان گیلکی بوده و به ویژه ساکنان شعاع مناطقی که در اول گذرگاه مهاجران روستایی به شهر واقع شده‌اند، بیشتر قابلیت بررسی‌ها را دارد.

اگر گذری به منطقه‌ی پل عراق رشت و ساغریسازان و یا به سوی «احمدگوراب و چمارسرای» خط فومنات بروید. زمانی نیز در «خیابان لاهیجان» بگذرانید و دقت نمایید با گویشهای گیلکی به لهجه‌ی فومنات و گسگرات و سنگر و کهدمات و شرق گیلان روبرو خواهد شد. مردم و محله‌ها به دو گویش رشتی و روستایی آن محدوده تکلم می‌کنند.

نمونه‌ی زیر از تنگاتنگی این رابطه‌ی شهری و روستایی سرچشمه گرفته است که ملاحظه می‌کنید.

۱- دشاندن DASA DAN .DAS A NDAN = روی

کسی یا شی پوششی نهادن - غالب کردن

۲- واشادتن - واشاندن. VA S A DAN .VA S ANAN = گستردن

۳- فیشادتن - فیشاندن. FIS A DAN .FIS ANDAN = دور ریختن

۴- دوخادون - دوخاندن. DUXA DAN .DAXA NDAN = صدا زدن

۵- آشادتن - آشاندن. AS ADAN .AS A NDAN = گهواره را با آهنگ حرکت دادن

که واژه‌های دشاندن - واشاندن - فیشانندن - دوخاندن - آشانندن گیلکی به لهجه روستایی است.